



خواسته‌هایشان از کدام جنس است و این جنس در قوطی کدام عطاواری یافت می‌شود، تا راه حل آن را بیابند. به عبارت دیگر جوان مسلمان امروز نباید موج سوار باشد بلکه باید موج سازگردد، تا بتواند به خواسته‌هایش برسد؛ خواسته‌هایی که به لحاظ فطرت حقیقت‌جویش، همان خواسته‌های نظام اسلام تاب است.

دیگر اینکه ما بر این اعتقاد پافشاری می‌کنیم که گشم شده جوان امروز، بیشتر در مبانی و پسی‌ساخته‌های تفکری اوست و اگر این پسی‌ساخته‌های ترمیم شده و متداول رشد کند، بی‌شک بسیاری از خواسته‌های جوان، معقول و دست یافتنی خواهد شد.

در این میان مبنای ترین خواسته، همانا بازیافت اندیشه‌های تاب است. متأسفانه به جهت اساسی بونز این نیازها امروزه بسیاری با لباس میش، چون گرگ‌هایی راهن، در صدد صید چشم‌های مخصوص طالب اندیشه‌اند. به نظر می‌رسد جوان فهیمی می‌تواند با زیرکی و هوشمندی خود به سادگی سرمه را از ناسره تشخیص بدهد و هدایت اندیشه‌اش را به دست روش فکران حقیقی جامعه بسیار.

اغراق نیست که بگوییم روحانیت سلیم، تنها مرجعی است که می‌تواند به درستی و با استفاده منابع واقعی پاسخ‌گوی خواسته‌های جوان باشد. اگر در این وانفسای رنگارنگ اندیشه‌های جورواجور، نهاد روحانیت تمام تلاش خود را در شناساندن اندیشه‌تاب اسلام به جوانان معطوف نماید، بی‌شک می‌تواند فاصله میان نسل‌های انقلاب را از میان بردارد. البته این به معنای آن نیست که صد اوسمیما، دانشگاه، آموزش و پژوهش؛ ارشاد و... از ایفا نقد خود سرباز زند، اما تاریخ به ما نشان داده است که تنها راه نجات جوامع پیشی، هدایت عالمانه کسانی است که در مکتب وحی آزموده شده‌اند و خود را به ظاهر فریندند تکنولوژی نیالوده‌اند.

خلاصه انکه اگر جوان امروز با شناسایی روحانیت فهیم و دلسوز، خواسته‌هایش را از مفاهیم اندیشه‌ای دریابد؛ می‌تواند امید به آینده را درنهادش به ویدعه بگذارد؛ ولی اگر تنها دلخوش به عملکرد برخی نهادها باشد، بی‌شک باید خود را برای عبور از مراحل صعب و دشوار آماده سازد.

□
این چند خط را نوشتیم تا هم شما دوست عزیز بدانی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های اندیشه‌ای به کدام پنجره روی نمایی و هم وظيفة خطیری که در این مقطع تاریخی، متوجه نهاد روحانیت است، را گشود کرده باشیم. چقدر خوب می‌شود که بازهم مثل گذشته، روحانی محروم دردهای انسان‌ها باشد و حلال آنچه چون گرههای کور به جان سردبیر تفکرات آدمها افتاده است.

چیزی که این روزها بیشتر ذهن‌ها را نگران می‌کند و علامت سوال بسیار بزرگی فراروی انسان‌ها شده است، این است که: «چه کسی باید پاسخ‌گویی نیازهای نسل جوان و نویای انقلاب باشد؟ به راستی این وظيفة خطیر به عهده کیست؟» اگرچه ممکن است سوال ما بسیار کلی و پردازمنه باشد، اما می‌توان از منظرهای متفاوت، آن را بررسی نمود.

گاهی باید به ذبال راه حل این مسأله بود که نسل جوان با انرژی فراوان و روحیه خلاق، در صدد تحول است، تحولی در برخوردهای اجتماعی، در رفتارهای فراشخصی و در کنش‌های متقابل جهان و انسان. گاهی همین مسأله، انسان را به تفکر و امیداردنک با تمام ویژگی‌های رایج در جوان امروز پاسخ سوالات اورا چه کسی باید بدهد؟ این همه را اضافه کنید به اینکه گروهی باید اهداف آرامانی انقلاب را به زبان امروز چنان برای جوانان ترسیم نمایند که جوان امروز، آمال و آرزوهای خود را در پیش برد انقلاب بینند. نکته اخیر، بسیار مهم به نظر می‌رسد.

اما با همه این حرف‌ها و با وجود دستگاه‌های عریض و طویل فرهنگی، هنوز جوانان هیچ مرجع خاصی برای خود نمی‌یابند و مثل یک توب‌گرد، همواره در تقابل داده‌های نهادهای فرهنگی، پاس‌کاری می‌شوند.

نکته این جاست که در نظام اسلامی که خواستگاه مشترک همه انسان‌ها و نهادها «نظام» است، هنوز نقطه مشترکی در هدایت نسل جدید یافت نمی‌شود. نهاد تربیتی نظام، آموزش و پژوهش، ساز خود را می‌زند. صدا و سیما، یعنی دانشگاه عمومی، تک مضراب خود را و ارشاد، به عنوان متولی فرهنگ جامعه، مخالف خوانی خود را سر می‌دهد. در این بین، «این جوان است که سر می‌کلاه خود را سرگردان می‌یابد». علاوه بر نهادهای رسمی یاد شده، برخی گروههای سنتی هم کم و بیش با اهمال کاری، وظيفة اصلی خویش را فراموش کرده‌اند و در گیرودار روزمرگی‌های خود گرفتارند.

آنچه گفته شد، دغدغه‌ای است اساسی برای صاحبان اندیشه که در نهایت کدام گروه و نهاد باید به روزآمد کردن ایده‌های انقلاب توجه کند؟ به نظر می‌رسد در یک نگاه کاملاً خودمانی و از سر درد، که بیشتر به فکر حل مشکل است، باید خود جوانان متولی رفع نیازهایشان باشند؛ چرا که برخی نهادها و گروههای متولی، آن قدر درگیر مسائل حاشیه‌ای شده‌اند، که بیشتر به یک باشگاه سیاسی اجتماعی می‌مانند تا یک نهادی که در مجموعه نظام اسلامی، با وظایفی‌ای خاص تعریف شده است.

خواسته‌های جوانان را چگونه و از چه کسانی باید طلب کرد؟ در ابتدا باید گفت جوانان بدانند